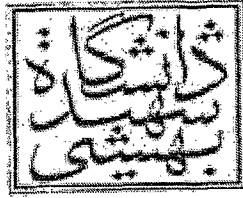


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۷۳۷۲

۱۷۱۱۰۰۵۳۴

۱۷۱۰۱۱



دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
در رشته روانشناسی عمومی

موضوع:

مقایسه سرسختی بین زوج های متقاضی و غیر متقاضی طلاق

استاد راهنما:

دکتر محمد علی مظاهری

استاد مشاور:

دکتر رسول روشن

اساتید داور

دکتر عصمت دانش

دکتر محمد رضا شعیری

دانشجو:

نازی رضانی گل افزانی

شهریور ۱۳۸۷

۱۰۶۴۷۲

کتابخانه و اسناد مرکز تحقیقات
روانشناسی و روانشناسی

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۵

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر علی مظاهری که دلسوزانه و با صرف
وقت بسیار راهنماییم کردند.

با تشکر از جناب آقای دکتر رسول روشن که بارها همایش‌هایشان روشنگر راهم
بودند.

تقدیم به

روح پاک مادرم که فرصت قدردانی از زحماتش را نیا فتم

پدر مهربانم که تکیه گاه من است

همسر عزیزم که آرامش قلمم است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	فصل اول کلیات پژوهش
۳	۱-۱ مقدمه
۴	۲-۱ بیان مسئله
۸	۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	۴-۱ اهداف پژوهش
۹	۶-۱ تعاریف مفهومی و عملیاتی
۱۰	فصل دوم ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۱	۱-۲ مقدمه
۱۱	۲-۲ طلاق و عوامل موثر بر آن
۱۶	۳-۲ سازگاری زناشویی
۱۶	۱-۳-۲ تعاریف
۱۷	۲-۳-۲ رویکردهای مختلف به نارضایتی زناشویی
۱۹	۳-۳-۲ عوامل موثر در تعیین رضایت یا نارضایتی زناشویی
۲۲	۴-۳-۲ عوامل موثر در تعیین کیفیت و ثبات رابطه زوجین
۲۳	الف- عوامل مربوط به پیشینه یا بافت
۲۳	ب- فرایندهای تعامل زوجین
۲۴	ج- رفتارها و صفات فردی
۲۴	۵-۳-۲ نقش شخصیت در رضایتمندی زناشویی

۲-۴ سرسختی..... ۲۶

۲-۴-۱ فشار روانی و سرسختی..... ۲۷

۲-۴-۲ سرسختی و سبکهای مقابله ای..... ۳۰

۲-۴-۳ مدل مفهومی سرسختی، فشار روانی و بیماری..... ۳۲

۲-۴-۴ پژوهشهای انجام شده در زمینه سرسختی..... ۳۳

فصل سوم روش شناسی پژوهش..... ۳۷

۱-۳ طرح پژوهش..... ۳۸

۲-۳ جامعه و نمونه آماری پژوهش..... ۳۸

۳-۳ روش نمونه گیری..... ۳۹

۴-۳ ابزارهای پژوهش..... ۳۹

۱-۴-۳ مقیاس سرسختی (پرسشنامه "زمینه یابی دیدگاههای شخصی" کوباسا)..... ۳۹

۲-۴-۲ آزمون سازگاری زناشویی MAT (لاک و والاس، ۱۹۵۹)..... ۴۱

۵-۳ روش اجرا..... ۴۲

۶-۳ شیوه تجزیه و تحلیل آماری..... ۴۲

فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده ها..... ۴۴

۱-۴ تجزیه و تحلیل داده ها..... ۴۴

۲-۴ بررسی نتایج توصیفی پژوهش..... ۴۵

۳-۴ تحلیل استنباطی نتایج..... ۵۱

۱-۳-۴ نتایج تحلیل واریانس یک عاملی عامل تعهد..... ۵۱

۲-۳-۴ نتایج تحلیل واریانس عامل کنترل..... ۵۳

۵۵ ۳-۳-۴ نتایج تحلیل واریانس عامل چالش

۵۷ ۴-۳-۴ نتایج تحلیل واریانس عامل سرسختی کل

۵۹ ۵-۳-۴ نتایج تحلیل واریانس یک عاملی سازگاری زناشویی

۶۲ فصل پنجم بحث و نتیجه گیری

۶۳ ۱-۵ مقدمه

۶۳ ۲-۵ فرایند طی شده

۶۴ ۳-۵ بحث و نتیجه گیری

۶۸ ۴-۵ محدودیت های پژوهش

۷۰ منابع

۷۹ ضمایم

چکیده

این مطالعه با هدف مقایسه سرسختی بین زوجهای متقاضی طلاق، زوجهای متقاضی خدمات مشاوره زناشویی و زوجهای عادی صورت گرفته است. نمونه تحقیق شامل ۹۰ زوج (۳۰ زوج از هر گروه و در مجموع ۱۸۰ نفر) است که بصورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. گروه زوجهای متقاضی طلاق از دادگاه خانواده و از بین زوجهایی که پرونده طلاق آنها در جریان بود و گروه زوجهای متقاضی مشاوره از میان زوجهای مراجعه کننده به مراکز مشاوره که به دلیل مشکل ارتباطی متقاضی مشاوره بودند انتخاب شدند و زوجهای گروه عادی نیز از مکانهای عمومی نظیر پارک انتخاب شدند و از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی با دو گروه قبلی جور شدند. تمامی زوجها به دو پرسشنامه مقیاس زمینه یابی دیدگاههای شخصی کوباسا و آزمون سازگاری زناشویی لاک و والاس پاسخ دادند. شاخصهای بدست آمده از پرسشنامه ها با روش تحلیل واریانس تک متغیره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در مولفه های سرسختی، در زیر مقیاس تعهد و کنترل، میانگین نمرات گروه متقاضی طلاق از گروه مشاوره بالاتر است. در مقیاس سرسختی کل نیز نمره گروه متقاضی طلاق از گروه متقاضی مشاوره به گونه معنی دار بالاتر بود. در مقیاس سازگاری زناشویی نیز زوجهای گروه عادی بالاترین نمره و زوجهای متقاضی طلاق پایین ترین نمره را کسب کردند. بطور کلی می توان گفت که از آنجا که فشار روانی یکی از عوامل موثر بر سرسختی می باشد و از آنجایی که زوجهای متقاضی دریافت مشاوره زناشویی تحت فشار روانی بالایی به دلیل درگیر بودن با مسائل رابطه ای خویش هستند، نمرات سرسختی پایین تری را نشان می دهند.

کلید واژه ها: طلاق- سازگاری زناشویی- سرسختی

فصل اول

کلیات پژوهش

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشا فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. خانواده موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تاثیر و تاثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسانها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می‌یابند و در خانواده‌های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می‌شوند. لذا خانواده عامل کمال بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. فقدان شبکه ارتباطی محبت‌آمیز میان زن و شوهر، خانواده را به کانون درگیری، کشمکش و تضاد تبدیل می‌کند و تفاهم را که سنگ زیرین بنیان خانواده است ویران می‌کند.

به رغم نظر آرمان‌گرایانه افراد در اجتناب از تعارض در روابط زناشویی، این موضوع در روابط صمیمی از جایگاه معمول و طبیعی برخوردار است. ممکن است فرض شود که تعارضهای مکرر به عدم رضامندی رابطه ختم خواهد شد، در حالیکه زوجهای دارای روابط رضایت بخش نیز منکر وجود تعارض در زندگی مشترک خود نشده‌اند (ارگیل و فارهام، ۱۹۹۳، به نقل از ملازاده، ۱۳۸۱)؛ چرا که تعارض فی‌نفسه نشانگر کیفیت رابطه ضعیف نمی‌باشد.

از آنجا که مواجهه با عوامل تنیدگی زای بین فردی مستلزم به کار بستن راهبردهای مقابله و حل تعارض است، محققان خانواده و درمانگران روابط زناشویی به بررسی چگونگی اثرات تنیدگی بر کیفیت تجربه زناشویی زنان و شوهران، گرایش دارند (هوسر^۱، کنستام^۲ و هام^۳، ۱۹۹۰، وبستر-استراتن^۴، ۱۹۸۹). بروز تنیدگی فرد را وادار میکند تا در جهت تغییر موقعیت خود و یا سازش یافتگی با آن گام بردارد؛ سازش یافتگی ای که می‌تواند موثر یا غیرموثر باشد. همانگونه که در ادراک تنیدگی، تغییرات

¹ - Houser, R.

² - Konstam, V.

³ - Ham, M.

⁴ - Webster-Stratton, C.

بین- فردی قابل ملاحظه ای وجود دارد، انتظار افراد نیز در باره فرایند زندگی پس از وقوع رویدادهای تنیدگی زا متفاوت است. برای مثال، افراد مختلف می توانند طلاق را موجد فقر و انزوا بدانند یا آن را طلیعه استقلال و تحقق خود تلقی کنند. بنابر این، پیش بینی فرد از وقایع آینده، دست کم به اندازه رویداد به خودی خود دارای اهمیت است (دادستان، ۱۳۷۷).

موقعیت های فشار زای زندگی همواره می توانند بر میزان توانایی افراد در کنار آمدن با شرایط گوناگون مؤثر باشد و تداوم شرایط دشوار به نوبه خود موجب بروز و تشدید نابسامانی های جسمی و روانی می گردد. در چنین فضایی انسان ناگزیر است تا برای مقابله با پیامد های ناشی از فشارهای زندگی در جستجوی راهکارهای مؤثرتری باشد. از این رو وجود سبک شناختی خاص، یا کسب صفاتی که بتواند شدت عوامل فشارزای زندگی را کاهش دهند، اهمیت ویژه ای می یابند (شیفر، ۱۳۷۵).

سرسختی یکی از ویژگی های شخصیتی است که به عنوان عاملی برای ارتقاء سلامت تلقی می شود. کوباسا سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان می داند که فرد را در برابر فشارهای بیرونی و درونی مصون می سازد. در واقع این ویژگی توانایی پردازش مناسب محرکهای درونی و بیرونی است. مفهوم سرسختی را نباید صرفاً در نیروهای خاص برای تحمل فراوان فشارهای روانی خلاصه کرد، بلکه وجود این سازه فرد را در شرایط سخت پیش می برد و او را یاری می کند که وقایع تهدید آمیز را با موفقیت بیشتری پشت سر بگذارد. سرسختی توانایی درک درست شرایط پیرامون و قابلیت تصمیم گیری مطلوب در مورد خویشتن است (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴، نقل از جمهری، ۱۳۸۱).

۱-۲ بیان مسئله

هشیاری فزاینده نسبت به رویدادهای ضربه آمیز زندگی، لزوم توجه به واکنشهای افراد و شیوه ای که در رویارویی با عناصر تنیدگی زا اتخاذ می کنند را ضروری کرده است (دادستان، ۱۳۷۷). اثر مخرب تجربه های تنیدگی زای زندگی می تواند در برخی افراد برای همیشه باقی بماند در حالیکه همین

تجربه گذار از موقعیتهای متلاطم و دردناک، صلاحیت پاره ای دیگر از اشخاص را در قلمرو تعاملهای اجتماعی افزایش می دهد و حتی دستیابی به مهارتهای بیشتر را در پی دارد.

رابطه زناشویی و زندگی مشترک، مانند هر رابطه دیگری دارای جنبه های مثبت و منفی است. صمیمیت و مشارکت از جنبه های مثبت آن و عدم رضایت از جنبه های منفی آن به حساب می آید (فینچام و همکاران، ۱۳۸۰). مهمترین عامل و شاخص تعیین کننده کیفیت ازدواج نوع رابطه بین زن و شوهر است و یکی از عوامل مهم در هر رابطه زناشویی رضایت خاطری است که زن و شوهر از آن احساس می کنند (فینچام و همکاران، ۱۳۸۰). رضامندی زندگی زناشویی به ارزیابی ذهنی طرفین از کیفیت رابطه اشاره دارد (تیلور^۱، پیلار^۲، سیرز^۳، ترجمه زمانی، به نقل از میر خشتی، ۱۳۷۵). یکی از بهترین تعاریف رضایت زناشویی توسط هاکینز^۴ انجام گرفته است که وی آن را چنین تعریف می کند: احساسات عینی از خشنودی و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر، موقعی که همه جنبه های ازدواجشان را در نظر می گیرند (سلیمانیان، ۱۳۷۳). مطالعات وایلانته^۵ و وایلانته (۱۹۹۳)، به نقل از بلانچاد، ۲۰۰۴)، نشان داد که اگرچه بسیاری از زوجها در بعضی موارد با هم کشمکش پیدا می کنند، اما رضایت طولانی به معنی تعهد دو طرفه نسبت به ازدواج و تعهد نسبت به ساختن زندگی و تسلیم نشدن در برابر اثرات منفی عوامل تنش زای زندگی و عدم توافق بین زوجین می باشد، با این حال در بعضی از مواقع بدون توجه به میزان تعهد زوجین، ممکن است عوامل نهفته ای از همان ابتدا رضایت از رابطه را تهدید کنند. واکنشهای فرد نسبت به تنیدگی بر حسب ویژگیهای وی با توجه به منابعی که در این رویارویی می تواند در اختیار داشته باشد، تغییر می کند. منابع مالی، سطح تحصیلی، وضع سلامت، ویژگیهای روانشناختی، خصیصه های فردی مانند مهارتها و همچنین سن و جنس در سطح اول اهمیت قرار دارد (جورج، ۱۹۸۰، به نقل از دادستان، ۱۳۷۷). افزون بر این، منابع خانوادگی مانند انسجام، سازش

1. Taylor

2. Pilar

3. Cearz

4. Hokinz

5 - Vaillant, C.D.

پذیری، ارتباط و مهارت در حل مسئله و بالاخره حمایت‌های اجتماعی را در سازش یافتگی با رویدادهای تنیدگی زا مهم دانسته اند (دادستان، ۱۳۷۷).

بخش عظیمی از تحقیقات در بیش از یک ربع قرن گذشته به بررسی پیش بینی کننده های عوامل اختلال در رابطه دو نفره زناشویی اختصاص یافته است (آیوب و لیندن، ۱۹۹۱؛ لامک، ۱۹۸۹). با وجود این، اطلاعات نسبتاً کمی در باره پیش بینی سازگاری دو نفره وجود دارد (هاردستی و بتز، ۱۹۸۰؛ لامک، ۱۹۸۹). در دهه های اخیر تاثیر شخصیت بر تعامل در روابط احساسی و صمیمانه دو نفره توجه زیادی را به خود جلب نموده است (دیونز و یانگ، ۱۹۸۵؛ به نقل از ملا زاده، ۱۳۸۱). در این میان کشف روابط علی نارضامندی اهمیت اجتماعی دارد. عدم رضایت از رابطه می تواند منجر به افسردگی دراز مدت، سوء استفاده از مواد و الکل، خودکشی و طلاق شود. طلاق یکی از پرفشارترین تجربه های زندگی محسوب می شود فشار روانی حاصل از طلاق به حدی زیاد است که آسیب های جدی به روح و روان اعضای خانواده گسسته وارد خواهد کرد. زن و مرد و حتی کودک هر یک به شکلی این فشار را باید متحمل شوند حال اگر هر یک از این اعضا ابزارهای لازم برای مقابله با فشار روانی حاصل از طلاق را نداشته باشد، بی تردید توان مقابله کمتری داشته و آسیب پذیرتر از بقیه خواهد بود.

هر چند سطح آرامش روانی و سازگاری می تواند در اثر تغییرات و رویدادهای جدید مثبت و منفی از حالت اعتدال خارج شود، ویژگیهای شخصیت می توانند به عنوان عامل برقرار کننده سطح بهنجار، نقش مناسب خود را ایفا کنند (هیدی^۱، وینهاون^۲ و ویرینگ^۳، ۱۹۹۲). کوباسا (۱۹۷۹)، متوجه شد افرادی که درجه بالایی از تنیدگی را بدون بیماری تجربه می کنند، ساختار شخصیتی متفاوتی از

۱ - Heady
۲ - Veenhoven
۳ - Wearing

افرادی که در شرایط تنیدگی زا بیمار می شوند، دارند. کوباسا این تمایز شخصیتی را در ساختاری به نام "سرسختی"^۱ معرفی نمود.

کوباسا، مدی و زولا (۱۹۸۳)، سرسختی را ترکیبی از باور ها در باره خویشتن و جهان تعریف می کنند که از سه مولفه "تعهد"^۲، "کنترل"^۳ و "مبارزه جویی"^۴ تشکیل شده است. شخصی که از تعهد بالایی برخوردار است، اهمیت، ارزش و معنای اینکه چه کسی است و چه فعالیتها و اموری را انجام می دهد باور دارد و قادر است در مورد آنچه که انجام می دهد، معنایی بیابد و کنجکاوی خود را بر انگیزد. چنین فردی، با بسیاری از جنبه های زندگیش همچون شغل، خانواده و روابط بین فردی کاملا درآمیخته می شود. افرادی که در مولفه کنترل قوی هستند، رویداد های زندگی را قابل پیش بینی و مهار می دانند و بر این باورند که با تلاش می توانند آنچه را که در پیرامونشان رخ می دهد، تحت تاثیر قرار دهند. چنین افرادی برای حل مشکلات، به مسئولیت خود بیش از اعمال دیگران تاکید می کنند. مبارزه جویی نیز به این باور اشاره دارد که تغییر و تحول، جنبه مثبتی از زندگی است و لذا افراد سرسخت، تغییرات زندگی را مخاطره ای برای امنیت خود تلقی نمی کنند. افراد دارای مبارزه جویی بالا، موقعیت های مثبت یا منفی را فرصتی برای یادگیری و رشد بیشتر می دانند تا تهدیدی برای امنیت و آسایش خود. کوباسا و پوکتی (۱۹۸۳) معتقدند که ویژگیهای روانشناسی سرسختی از جمله حس کنجکاوی قابل توجه، تمایل به داشتن تجارب جالب و معنا دار، ابراز وجود، پر انرژی بودن، توانایی مقاومت و اینکه تغییر در زندگی امری طبیعی است، می توانند در سازش فرد با وقایع تنیدگی زای زندگی مفید باشند.

با این تفاسیر، مسئله اساسی این پژوهش این است که آیا میزان سرسختی روانشناختی در زوجهای متقاضی طلاق با زوجهایی که زندگی عادی خود را در کنار یکدیگر می گذرانند متفاوت است یا نه؟

^۱.Hardiness
^۲.commitment
^۳.control
^۴.challenge

۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالب فوق اثر استرس را بر روی رضایتمندی زندگی زناشویی و همچنین نقش سرسختی روانشناختی در تعدیل این استرس را نشان می دهند. از آنجایی که یکی از عواملی که در آموزشهای خانواده و در خانواده درمانگری به کار گرفته میشود، ملاپریت و کنترل استرسهای وارد شده است و سرسختی نیز یکی از عوامل موثر بر استرس و از همه مهمتر یک سازه قابل تغییر است، بنا بر این به نظر می رسد زوجهایی که از سرسختی بالا تری برخوردارند، مدیریت استرس بهتر و در نتیجه رضایت بیشتری از زندگی مشترک خود دارند.

بنابراین با توجه به اهمیت روابط زناشویی و شناخت عوامل موثر بر این رضایت و با توجه به پیامدهای روانی، عاطفی و اجتماعی طلاق، از آنجایی که سرسختی یک سازه قابل تغییر در افراد است، چنانچه با افزایش و یا بهبود سرسختی در افراد بتوان از پیامدهای تعارضهای شدید که منجر به طلاق میشود، کاست؛ ارزیابی و مقایسه سرسختی بین زوجهای متقاضی طلاق و زوجهای سازگار ضروری به نظر می رسد.

۴-۱ اهداف پژوهش

هدف کلی از انجام این تحقیق بررسی نقش مولفه سرسختی در سازگاری زناشویی و تداوم ازدواج است.

هدف جزئی این طرح مقایسه سرسختی بین زوجهای متقاضی طلاق، زوجهایی که برای دریافت مشاوره زناشویی مراجعه می کنند زوجهای غیر متقاضی طلاق (سازگار) است.

۵-۱ سوالات و فرضیه های پژوهش

۱. زوجیهایی که برای دریافت مشاوره به یکی از مراکز مشاوره مراجعه می کنند نسبت به زوجیهایی که تا کنون برای مشاوره مراجعه نکرده اند از سرسختی روانشناختی کمتری برخوردارند.

۲. زوجهای مراجعه کننده برای طلاق سرسختی کمتری نسبت به زوجیهایی دارند که متقاضی طلاق نیستند.

۳. زوجیهایی که برای دریافت مشاوره به یکی از مراکز مشاوره مراجعه می کنند نسبت به زوجیهایی که برای طلاق به دادگاه خانواده مراجعه کرده اند از سرسختی بالاتری برخوردارند.

۴. در زوجیهایی که متقاضی طلاق نیستند، زوجیهایی که سرسختی بیشتری دارند، رضایت زناشویی بیشتری دارند.

۶-۱ تعاریف مفهومی و عملیاتی

تعریف مفهومی رضایت زناشویی: رضایت زناشویی به معنی انطباق بین وضعیت فعلی و وضعیت مورد انتظار است (وینچ، ۱۹۷۴، به نقل از احدی، ۱۳۸۲).

تعریف عملیاتی رضایت زناشویی: رضایت زناشویی در این تحقیق نمره ای است که با استفاده از مقیاس رضایت زناشویی MAT بدست آمده است.

تعریف مفهومی سرسختی: کوباسا سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خویشتن و جهان می داند که فرد را در برابر فشارهای بیرونی و درونی مصون می سازد (مدی و کوباسا، ۱۹۸۴، به نقل از جمهری، ۱۳۸۱).

تعریف عملیاتی سرسختی: ویژگی شخصیتی که توسط پرسشنامه زمینه یابی دیدگاههای شخصی کوباسا سنجیده می شود.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

در کشور ما طی دو دهه گذشته ساخت خانواده و روابط بین اعضای آن دچار تغییرات زیادی شده است و بیشتر تحقیقاتی که توسط متخصصان علوم اجتماعی در زمینه علل سست شدن پیوندهای زناشویی صورت گرفته، بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، بیکاری، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی تأکید نموده‌اند و آن‌ها را از عوامل مؤثر بروز ناسازگاری‌های زناشویی و طلاق دانسته‌اند. هر چند که نقش این عوامل را نمی‌توان در افزایش طلاق در چند سال گذشته نادیده گرفت اما به نظر می‌رسد تأکید بیش از حد بر این متغیرها به عدم شناسایی عوامل مؤثر گسسته شدن پیوندهای زناشویی به ویژه در زوج‌های جوان منجر خواهد شد. ناسازگاری و عدم رضایت زناشویی پس از ازدواج نه تنها برکنش‌های روانی - اجتماعی زن و شوهر بلکه بر رشد و تحول کودکان و نوجوانان آن خانواده نیز اثرات سوء به جای می‌گذارد. افزایش آمار فرار دختران از منزل، کودکان خیابانی و بزهکاری کودکان و نوجوانان در کشور ما ارتباط مستقیمی با خانواده‌های آشفته و طلاق دارد. هم‌اکنون بسیاری از زوجها در خانواده‌ای زندگی می‌کنند که طلاق روانی در آن حکمفرماست. بدین معنا که هیچ‌گونه رابطه عاطفی و جسمانی بین زن و شوهر وجود ندارد و زندگی به صورت اجباری و با حداقل تعامل به پیش می‌رود. به همین جهت ضروری است با دیدگاهی آسیب‌شناسانه به علل درون فردی ناسازگاری‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش ویژگی‌های شخصیتی در سازگاری و رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد، چرا که عدم وجود جو سالم در خانواده از موانع اصلی انتقال آداب و رسوم، فرهنگ و ارزش‌های مثبت جامعه به نسل‌های بعدی است.

۲-۲ طلاق و عوامل مؤثر بر آن

ازدواج پدیده‌ای است که می‌تواند باعث آرامش و سلامت روانی زن و مرد گردد. در عین حال می‌تواند به جایی برسد که به جای تامین انرژی روانی زوجین، انرژی زیادی از آنان گرفته، باعث بروز انواع اختلالات روانی گردد. در این صورت تنها دو راه حل برای زوجین باقی خواهد ماند: اول این که

گرچه زندگی آنها سرشار از آشفتگی هاست، آن را تحمل کند و دومین راه حل، طلاق است. راهی که در سالهای اخیر، درصد زیادی از افراد، آن را بر می گزینند.

طلاق، پایان دادن به عقد نکاح دائم است و دارای یک فرایند تحول روانی است که دوره تصمیم گیری پیش از طلاق یکی از مهم ترین دوره های آن است. در خلال این دوره زن و شوهر یا یکی از آنها از روابط موجود ناراضی است و برای طلاق در آینده دست به رویاپردازی و برنامه ریزی می زند بدون آنکه موضوع را با همسر خود در میان گذارد. در طول این دوره زن و شوهر با طلاق عاطفی مواجه هستند (گیویان، ۱۳۷۹).

طلاق منشا بروز آسیب های اجتماعی فراوانی است. در سالهای اخیر، شاهد افزایش نرخ طلاق و کاهش طول مدت ازدواج بوده ایم، به طوری که ۲۰ الی ۲۵٪ ازدواج ها در تهران به طلاق می انجامد (صاحبی، ۱۳۸۵). تحقیقات سهرابی (۱۳۷۷، نقل از سلیمی، ۱۳۸۴) نشان میدهد که بیشترین آمار طلاق مربوط به زوجهایی است که زندگی زناشویی آنها بین ۱-۴ سال (۳۳٪) و ۵-۹ سال (۲۷٪) طول کشیده است؛ کمترین میزان طلاق مربوط به کسانی است که کمتر از یک سال (۴٪) از مدت ازدواج آنها گذشته است. مرکز آمار ایران نیز میزان طلاق را در سال ۱۳۵۵ برابر با ۱۰/۷٪ اعلام کرد. این میزان در سال ۱۳۶۰ به ۸/۳٪، در سال ۱۳۶۵ به ۱۰/۳٪ و در سال ۱۳۷۲ به کمترین حد خود یعنی ۶/۳٪ رسید. از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ میزان طلاق رشد داشته و به ترتیب برابر با ۷/۲، ۷/۵ و ۷/۹ درصد بوده است.

در سال ۱۳۷۸ میزان طلاق در شهر تهران برابر با ۱۵/۲٪ و در پرو برابر با ۲/۵٪ بوده است و این سیر صعودی همچنان ادامه دارد (بلادی موسوی، ۱۳۷۸، نقل از سلیمی، ۱۳۸۴). در تحقیقی توسط سازمان بهزیستی (۱۳۷۸، نقل از سلیمی، ۱۳۸۴)، مشخص شد که بیشترین متقاضیان طلاق در زنان، با سطح تحصیلی زیر دیپلم و بی سواد و متقاضیان مرد، زیر دیپلم بوده است. با توجه به دامنه سنی، بیشترین طلاق در سنین ۳۵ تا ۳۶ سالگی و ۳۰ تا ۳۴ سالگی بوده است. همچنین مشخص شد که در

بین زنان ۱۴٪ شاغل و ۸۶٪ خانه دار بوده اند. عدم تفاهم اخلاقی (۳۷٪) بیشترین علت اختلاف و تقاضای طلاق بوده است.

رایس (۲۰۰۳، نقل از جعفری، ۱۳۸۷)، معتقد است که وقوع طلاق تنها منحصر به شرایط زوجین نیست بلکه کل نظام خانواده و حتی نظام های فراتر از خانواده نیز در آن نقش دارند. به همین خاطر، جهت پیشگیری و درمان باید به دنبال تغییر در نظام ها بود. همچنین این محقق بر این باور است که تغییر ناشی از نظام و خرده نظام ها، موجب تغییراتی در روابط زوجین می گردد و آنها را به سمت طلاق سوق می دهد.

رویکرد های خانواده درمانی هرکدام دیدگاههای گوناگونی را در مورد علل طلاق مطرح نموده اند. دیدگاه انتقال بین نسلی، پدیده ی طلاق را نتیجه ی تعارضات حل نشده ی خانوادگی و شخصی اولیه ی زوجین می داند همچنین دیدگاه روان پویایی ریشه ی اکثر مشکلات زوجین را نتیجه ی تعارضات حل نشده ی دوران کودکی می داند (هاروی، ۲۰۰۵).

کارتر و مک گلدریک (۱۹۸۰)، بر اساس رویکرد تحولی و چرخه ی زندگی، طلاق را پدیده ای غیر معمول در چرخه ی زندگی خانواده می دانند. این افراد مراحل طبیعی چرخه ی زندگی زناشویی را رابطه ی عاشقانه و ازدواج می دانند. گلیک (۲۰۰۳، نقل از جعفری، ۱۳۸۷)، حضور بچه ها و پرورش آنان را در چرخه ی زندگی زناشویی اضافه می کند. این الگوها رابطه ی عاشقانه، ازدواج و تعهد را مراحل اصلی زندگی زناشویی در نظر می گیرند که وظایفی همچون فردیت و هویت و صمیمیت زوجین در آن مطرح است. ازدواج و طلاق هر دو ممکن است مانع ارضای این دو نیاز در زوجین گردد. بعضی وقتها که زوجین نتوانند از طریق ازدواج دو نیاز اصلی خود یعنی هویت و صمیمیت را به دست آورند ممکن است طلاق را انتخاب کنند تا از طریق آن بتوانند این دو نیاز اساسی را تامین کنند.

کسلر، والترس و فورتوفر (۲۰۰۱، نقل از جعفری، ۱۳۸۷)، مشکلات روانشناختی زوجین را عامل طلاق می دانند. اسکالدمن (۲۰۰۶، نقل از جعفری، ۱۳۸۷)، عدم توانایی زوجین در ایجاد ارتباط و نحوه